

بررسی امید به آینده و ارتباط آن با دینداری و پایگاه اقتصادی و اجتماعی، مورد مطالعه: ساکنان ۱۸ سال و بالاتر شهر یاسوج

میلاذ رئیسی زاده^{۱*}، اصغر میرفردی^۲، آرمان حیدری^۳

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۳- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

چکیده

آینده‌نگری یکی از موضوعات مهم و مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی است. این مقاله به بررسی امید به آینده و ارتباط آن با پایگاه اقتصادی و اجتماعی و دینداری پرداخته است. در این پژوهش از روش پیمایشی و جهت گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شد. متغیر وابسته این پژوهش، امید به آینده و متغیرهای مستقل میزان دینداری، امکانات اقتصادی خانواده و پایگاه اقتصادی و اجتماعی بوده است. جامعه آماری مورد بررسی، افراد ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج بودند که بر اساس فرمول لین، ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه محاسبه و به صورت نمونه‌گیری تصادفی از نوع خوشه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها به وسیله پرسشنامه ساختمان ترکیبی محقق ساخته و دیگران ساخته گردآوری شد. اعتبار و پایایی ابزار سنجش به ترتیب با اعتبار صوری و ضریب آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد میزان امید به آینده با متغیرهای میزان دینداری، میزان امکانات اقتصادی خانواده و پایگاه اقتصادی اجتماعی ارتباط

مثبت و معناداری دارد. تفاوت معناداری بین میزان امید زنان و مردان به آینده وجود داشت و مردان از امید بیشتری برخوردار بودند ولی بین میزان به آینده با توجه به وضعیت تأهل تفاوت معناداری وجود نداشت. آزمون رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام نشان داد که متغیرهای وارد شده به مدل توانستند ۲۸/۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند. نتیجه اینکه دینداری مهمترین عامل در حفظ و ارتقاء امیدواری در جامعه مورد مطالعه است. وازگان کلیدی: امید به آینده، نگرش، دینداری، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، یاسوج.

مقدمه و بیان مسأله

زمان یکی از مقوله‌های مهم در زندگی آدمی است. گذشته، حال و آینده به عنوان ابعاد زمان، تأثیری تعیین کننده بر روند تحولات جوامع دارند. در واقع، یکی از مسائل مورد توجه جوامع مختلف در طول تاریخ، تبیین امر زمانی بوده است. در این میان، آینده مهمترین بُعد زمان دانسته شده است؛ بسیاری از افراد و جوامع طالب دستیابی به آگاهی و دانش درباره آینده هستند. از دهه‌ها پیش، موضوع آینده‌نگری و اهمیت آن، مورد توجه اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی بوده است. توانایی کشورها در آینده‌نگری به یک اندازه نیست. مردم جوامع گوناگون گاهی به آینده رو می‌کنند و تصویری هرچند اجمالی و مبهم از آن به ذهن‌شان خطور می‌کند و به سوی آن میل می‌کنند، گاهی نیز افق ناپیدا است تا جایی که آینده‌نگری تا حد بیان آرزوها تنزل پیدا می‌کند. آینده اگرچه ممکن است صورت دگرگون شده اکنون باشد، از وضع کنونی و گذشته جدا نیست، یعنی اگر شناختی از اکنون در دسترس نباشد، از آینده نیز نمی‌توان شناخت حقیقی به دست آورد (اردکانی، ۱۳۹۵: ۱۱). یکی از عناصر فرهنگی یک جامعه که نقش سازنده‌ای بر توسعه زندگی انسانها دارد، امیدواری است. اهمیت امید تا جایی است که برخی صاحب‌نظران علوم اجتماعی مطالعه آن را برای درک رفتار اجتماعی حیاتی می‌دانند. امیدواری تعیین کننده رفتار است، به آن شکل داده و آن را هدایت می‌کند، انگیزه‌های تازه‌ای در فرد ایجاد می‌کند به گونه‌ای که نیازها را برآورده و به گرایش افراد جهت می‌دهد (باستانی، ۱۳۸۷: ۴۱). یکی از ویژگی‌های انسان‌ها، امید نسبت به آینده خود و جامعه است. آینده، تنها استمرار گذشته نیست، زیرا مسیر زندگی بشر تک خطی

نمی‌باشد. به بیان دیگر، آینده فرایند پویا و متحول نیروهایی است که درباره افراد چیزها یا رویدادها ابراز می‌شود. آینده بُعدی از هستی بشر است که فراسوی لحظه حال گسترش می‌یابد و به سان اصلی مهم در انجام اقدامات در نظر گرفته می‌شود. این مفهوم برخورداری از طرح، هدف‌ها، نیت‌ها، غایات و مفاهیم را برای آدمی به همراه می‌آورد (بهنر و وانک^۱، ۱۳۸۴: ۳۴). با توجه به اهمیت امید در زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و در نهایت توسعه زندگی بشر، نتایج بسیاری از تحقیقات نشان‌گر پایین بودن انگیزش به کار و موفقیت، نداشتن تمایل به فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی، پایین بودن خوشبینی و افزایش بدبینی به آینده در بین نیروهای کار بالقوه به ویژه افراد بالای ۱۸ سال است (محسنی تبریزی و میرزایی، ۱۳۸۳: ۴). شواهد نشان می‌دهد که این وضعیت ناشی از شرایط اقتصادی و فرهنگی و مهمتر از همه عوامل اجتماعی می‌باشد و بر جهان شناختی افراد هم در جهان مادی و هم در جهان اجتماعی آنها تاثیر دارند؛ بیکاری، آنومی، عدم امنیت شغلی، فقر، کمبود فرصت‌های شغلی، رشد فزاینده جمعیت، مهاجرت و... می‌باشد (همان: ۳۵). مطالعات گوناگونی در زمینه امید به آینده در پیوند با متغیرهای گوناگونی چون دینداری (خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۴؛ عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۵)؛ عالیشاه، ۱۳۹۷) و یا رضایت از زندگی (کولی^۲، ۱۳۷۶)، نابرابری (هیل و یورگنسون^۳، ۲۰۱۶) انجام شده است. در این میان، جامعه ایران به دلیل مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، پیروزی انقلاب اسلامی و مسائل سیاسی همچون تحریم‌های یک‌جانبه با پدیده تغییر نگرش و امید به آینده روبه‌رو است. با توجه به اینکه زمینه‌های اجتماعی نقش مهمی در میزان پیوند بین امید به آینده با متغیرهای گوناگون دارد و میزان امید به آینده ساکنان شهر یاسوج به عنوان شهری با بافت نیمه‌سستی مورد مطالعه قرار نگرفته است، این مقاله بر آن بوده تا میزان امید به آینده در این شهر مورد پژوهش قرار گیرد. شهر یاسوج به دلیل شرایط در حال گذار از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. این شهر یکی از شهرهای جدید و مراکز استانی کشور است، که با رشد نسبتاً بالای جمعیت، کمبود امکانات، محدودیت‌های شغلی و افزایش آسیب‌های اجتماعی رو به رو بوده است که این وضعیت می‌تواند بر وضعیت نگاه به آینده و

1 Bohner, G & Wanke, M

2 Cooly

3 Hill and Jorgenson

امید ساکنان آن نسبت به آینده اثر گذارد. بر اساس آمارهای موجود در مرکز اورژانس خدمات اجتماعی واحد یاسوج و تجربیات شغلی نگارندگان و همچنین تحولات سال‌های اخیر، شهر یاسوج با گسترش آسیب‌های اجتماعی همچون خودکشی و طلاق و دختران فراری و اختلافات خانوادگی شدید و... همراه بوده است. با توجه به اینکه براساس الگوهای نظری، امید داشتن از باورهای مثبت یا منفی فرد در مورد انجام یک رفتار خاص سرچشمه می‌گیرد، نوع باور افراد به آینده می‌تواند بر رفتارهای گوناگون آنها اثرگذار باشد. نگرش نسبت به رفتار، بازتابی از برآیند ارزشیابی مثبت یا منفی شخص از انجام آن رفتار است. با توجه به اینکه امید افراد نسبت به آینده برای تبیین و پیش‌بینی رفتارهای اجتماعی ضرورت دارد، تحقیق حاضر بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که امید به آینده ساکنان ۱۸ سال و بالاتر ساکن شهر یاسوج چه میزان است؟ میزان دینداری، امکانات اقتصادی خانواده و پایگاه اقتصادی و اجتماعی چه ارتباطی با میزان امید به آینده دارد؟ انجام این پژوهش برای شناخت ایستار افراد ساکن در منطقه در حال گذاری چون یاسوج درباره آینده برای تبیین رفتارهای اجتماعی آنها ضرورت و اهمیت بسیاری دارد.

ادبیات نظری پژوهش

درباره امید، برداشت‌های زیادی ارائه شده است که در اینجا برخی از آنها ارائه می‌شود و سپس نظریه‌ها و نظریه‌پردازان حول موضوع امید معرفی می‌گردند.

امید در فارسی به معنای "آرزو، انتظار برای چیزهای خوب، توقع و چشم‌نیکویی از مردم و از هر چیزی داشتن" (دهخدا، ۱۳۴۲) است. اشنایدر^۱ امید را به عنوان سازه‌ای تعریف می‌کند که شامل دو مفهوم گذرگاه‌ها (قدرت برنامه‌ریزی در مسیرهای گوناگون برای رسیدن به هدف) و کارگزار (تصمیم‌ه‌دگذار) می‌شود (اشنایدر و لویز^۲، ۲۰۰۱). امید توانایی باور داشتن به احساسی بهتر درباره آینده است و با نیروی اثربخش خود زمینه جهت‌دهی فرد به سمت

1 Snyder, C

2 Lopez

دستیابی به تجربه‌های نو شده، وی را به تلاش رهنمون نموده و به سطح بالایی از عملکردهای روانی و رفتاری نزدیک می‌سازد (ارجمندنی و همکاران، ۱۳۹۱).

در مباحث مربوط به آینده، معمولاً از دو مؤلفه امید به آینده و ناامیدی نسبت به آن صحبت می‌شود، البته برخی پژوهش‌ها نیز در باب شناخت آینده نیز مطالبی ارائه نموده‌اند، اما در کل، بیشترین مباحث حول امید و ناامیدی نسبت به آینده می‌چرخد.

امید نه انتظاری منفعلانه است و نه نیرویی غیر واقع بینانه از اتفاقاتی که امکان رخداد آنها وجود ندارد. امیدوار بودن بدین معنی است که فرد در هر لحظه آماده و منتظر چیزی باشد که هنوز متولد نشده و در صورت عدم پیدایش آن در طول زندگی، همچنان نوامید و سرخورده نشود. امید هنگامی نیرومند است که اهداف ارزشمندی را دربرگیرد و با وجود موانع چالش برانگیز اما برطرف‌شدنی، دستیابی به آنها در میان مدت ممکن باشد. جایی که ما برای رسیدن به هدف اطمینان داریم، امید غیرضروری است. جایی که مطمئن هستیم به هدف نخواهیم رسید، در این صورت ناامید می‌شویم. طبق این مفهوم‌بندی هیجان‌های مثبت و منفی، محصول جنبی تفکر هدفمند امید و ناامیدی هستند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸).

از نظر اشنایدر (۲۰۰۰) امید از دو مؤلفه شکل گرفته است؛ نخست، توانایی ترسیم مسیریایی برای رسیدن به هدف‌های مطلوب با وجود بازدارنده‌ها و دوم، کارگزار دارای انگیزش برای استفاده از این مسیرها. به بیان دیگر، امید هنگامی نیرومند است که هدف‌های ارزشمندی را در برگیرد و با داشتن موانع چالش برانگیز ولی نه برطرف‌نشده، احتمال دستیابی به آنها در میان مدت وجود داشته باشد. در این نظریه، افکار امیدوارانه، عقایدی را نشان می‌دهند که فرد می‌تواند از طریق آنها راه‌های رسیدن به اهداف مورد نظر را پیدا کند و برای استفاده از آنها برانگیخته شود (اشنایدر و همکاران، ۲۰۰۶). بنابراین، در باور اشنایدر، امید فراپندگی شناختی است که افراد با بهره‌گیری از آن، فعالانه، برای دست یافتن به هدف‌های شان تلاش می‌کند. از نظر او، امید فرایندی است که طی آن، فرد هدف‌های خود را تعیین می‌کند، راه کارهایی برای رسیدن به آنها می‌سازد و انگیزه لازم را برای اجرای این راه کارها ایجاد و در طول مسیر این انگیزه را تا رسیدن به هدف حفظ می‌کند (اشنایدر، ۱۹۹۶).

آلوین تافلر^۱ در کتاب خود با عنوان «موج سوم» با نگاهی به سراسر تاریخ تمدن و بررسی تحولات فن شناختی اواسط دهه پنجم سده بیستم به بعد، می‌کوشد تا الگویی برای تبیین کلیت تاریخ تمدن و تبیین آینده در وابستگی تکاملی به گذشته ارائه کند و سمت‌گیری دگرگونی جدید را نشان دهد. تافلر با نگرشی جامع به تحولات جامع، و در ابعاد کلان، می‌کوشد تا مبانی پیش‌بینی را به دست دهد. او بر آن است تا جایگاهی تاریخی برای انقلاب اطلاعاتی در نظر بگیرد. او در تحلیل رویدادها، شیوه‌های سنتی گذشته را کنار می‌گذارد و الگوی نوینی را ارائه می‌کند. تافلر بر این باور است که با مسلط شدن یک موج ویژه بر یک جامعه می‌توان الگوی توسعه آینده آن جامعه را شناسایی نمود. از این‌رو، پیشگامان باید با نگاهی به آینده، امور را به سمتی هدایت کنند که موج سوم با همه ارزش‌های انسانی تحقق پیدا کند (تافلر، ۱۳۹۷).

نگاه به آینده در حوزه‌های معنوی و دین نیز از دیرباز مورد توجه ادیان و باورمندان و همچنین نظریه‌پردازان دین بوده است. مذهب و دینداری به عنوان یکی از مولفه‌های هویت، که نقشی پررنگ در زندگی مردم داشته، در آراء نظریه‌پردازانی مانند وبر^۲، دورکیم^۳ (کوزر^۴، ۱۳۸۰)، و گیدنز^۵ (۱۳۷۸) ریشه داشته و مورد توجه پژوهشگران و نظریه‌پردازان بسیاری بوده است. دورکیم به نقش مذهب بر میزان همبستگی میان افراد اشاره داشته و آن را از نیروهایی می‌داند که در فرد، احساس الزام اخلاقی به هواداری از درخواست‌های جامعه، ایجاد می‌کند (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۶-۱۸۷)؛ تأکید دورکیم بر پدیده‌های دینی نه به عنوان مقوله‌ای فردی، بلکه مقوله‌ای اجتماعی بود. دین یک نظام یکپارچه عقاید و اعمال مربوط به چیزهای مقدس است، یعنی همان چیزهایی که جدا از پدیده‌های عادی‌اند و از محرمات به شمار می‌آیند، عقاید و اعمالی که همه کسانی که به این عقاید و اعمال معتقدند، در یک اجتماع واحد اخلاقی به نام کلیسا یکپارچه می‌شوند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۴۷). دورکیم چهار کارکرد عمده برای دین قائل است که این کارکردها در واقع نیروهای اجتماعی‌اند. این چهار کارکرد عبارت‌اند از:

1 Toffler, A
2 Weber, M
3 Durkheim, E
4 Coser, L
5 Giddens, A

کارکرد انضباطبخش، کارکرد انسجامبخش، کارکرد حیاتبخش و کارکرد خوشبختیبخش (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۴۷). وبر در مبحث مذهب، به عواقب اجتماعی باورها و رسوم توت‌م پرستان، رقص و دیگر فعالیت‌هایی که جنبه‌ی عبادی یافته و نسبت به اشیاء مقدس انجام می‌شوند، پرداخته است (آرون^۱، ۱۳۷۵). در دیدگاه وبر، باور مذهبی از نوع پروتستانی و امید به رستگاری از طریق کار و تلاش، زمینه تحول اقتصادی و شکل‌گیری رونق اقتصادی در جوامع پروتستانی را فراهم نمود (وبر، ۱۳۹۲). در نظر گیدنز، دنیوی شدن دین در سه بعد قابل ارزیابی است: نخست، میزان عضویت در سازمان‌های دینی، دوم، حد نفوذ اجتماعی دین در جامعه، سوم، عقاید و ارزش‌ها یا همان دینداری. از دید گیدنز، مدرنیته دارای دو مرحله اولیه و متأخر است و در هر یک از این دو مرحله، تعامل دین و مدرنیته یکسان نبوده است. درک و تفسیر نادرست از ماهیت مدرنیته، در مرحله نخست آن، باعث شکل‌گیری این اندیشه شد که نفوذ و جایگاه اجتماعی دین در جامعه مدرن، کاهش یافته است و سرانجام ناپدید خواهد شد. اما در مرحله دوم مدرنیته، نوعی احیای گرایش‌های دینی و معنوی پدید آمده است که ریشه در ویژگی‌های خاص این مرحله دارد. گیدنز با مرور انتقادی دیدگاه‌های کلاسیک‌ها، نتیجه می‌گیرد که دین از زندگی انسانها کنار نمی‌رود، اما دینداری در دوران جدید را همانند دوران گذشته نمی‌داند (گیدنز، ۱۳۷۳).

در زمینه پایگاه اقتصادی-اجتماعی نیز نظریه‌های چندی ارائه شده است که می‌توان گفت دو نظریه وبر و بوردیو^۲ از مهمترین نظریه‌های این حوزه می‌باشند. در تحلیل جامعه‌شناختی ماکس وبر، مفهوم منزلت اجتماعی نقش عمده‌ای را بازی می‌کند. یک تحلیل وبری از سرمایه-داری مدرن مستلزم آن است که پذیرفته شود علاوه بر طبقات اقتصادی، گروه‌های دیگری نیز وجود دارند که ممکن است به شیوه‌هایی عمل کنند که بر توسعه‌ی اقتصادی اثر بگذارند. در اندیشه‌ی ماکس وبر، در واقع گروه منزلتی دارای یک الگوی مجزای زندگی، غذا خوردن، آشامیدن، لباس پوشیدن، تفریح و خلاصه الگوی مجزای مصرف و نوعی نگرش خاص است. چنین الگوهایی، به تعریف اعضای یک گروه منزلتی به حفظ منزلت آن و به حرمت اجتماعی

1 Aaron, R

2 Bourdieu, P

و فرهنگی آن در چشم خود و دیگر اعضای صورت بندی اجتماعی کمک می‌کند که در ارزش‌های فرهنگی، همانند و شریک هستند (وبر، ۱۳۹۲).

در نظر ملوین تامین^۱، وبر، مفهوم سبک زندگی را برای اشاره به شیوه‌های رفتار، نوع لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده‌ی گروه‌های منزلتی متفاوتی بوده، به کار گرفت. بنابراین در نظر وبر، فرض بر این است که پایگاه و گروه منزلتی، نوعی رفتار و نگرش خاص را به دنبال دارد (تامین، ۱۳۷۳: ۱۱۰). پیر بوردیو در بررسی پایگاه اقتصادی اجتماعی، به تطابق میان سلسله‌مراتب اجتماعی با سلسله‌مراتب فرهنگی و میزان بهره‌مندی افراد از سرمایه‌های گوناگون پرداخته است (بوردیو، ۱۳۹۰). وی بر این باور است که موقعیت‌عاملان در سلسله‌مراتب توزیع سرمایه‌های اقتصادی، درون میدان طبقات، هر کنشگری را به جانب الگوی رفتاری و نگرشی خاصی متمایل می‌کند (واکوانت^۲، ۱۳۷۹: ۳۳۷). او این نکته را به کمک مفاهیم منش (عادت‌واره)، طبقه و سلیقه (ذائقه) توضیح می‌دهد. بر پایه تحلیل بوردیو، کنشگران به نوعی اسیر جبر موقعیت‌اند و انتخاب‌های شان بر مبنای منش و موقعیت میدانی متمایزشان شکل می‌گیرد؛ به عنوان مثال اگر کنشگران به دلیل دارا بودن سرمایه‌های بیشتر، موقعیت طبقاتی بهتری داشته باشند، به منشی دست می‌یابند که آنها را به سمت نگرش‌های فرهنگی تعالی‌جویانه جهت می‌دهد (بوردیو، ۱۳۹۰).

با توجه به دیدگاه‌هایی که مرور شدند برای چارچوب نظری این پژوهش، از دیدگاه شنایدر برای تبیین ماهیت امید به آینده و از دیدگاه‌های وبر و بوردیو برای تبیین رابطه متغیرهای میزان امکانات اقتصادی خانواده و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با متغیر امید به آینده استفاده شد. وبر در تبیین رفتارها و نگرش‌های افراد به پایگاه منزلتی آنها توجه دارد. بوردیو نیز پایگاه اقتصادی-اجتماعی و جایگاه افراد در میدان اجتماعی را در سبک تفکر و زندگی آنها موثر می‌داند. از دیدگاه دورکیم، وبر و گیدنز برای تبیین رابطه بین میزان دینداری و میزان امید به آینده استفاده شده است. دورکیم، باورهای دینی را نمود خواسته‌های مطلوب جامعه می‌داند. وبر نیز نوع تفسیر و برداشت مذهبی در مذهب پروتستانیزم را نویدبخش تحولات و رسیدن به

1 Tamin, M

2 Wakwant, L

رستگاری در آینده می‌داند و گیدنز نیز دین را به عنوان پدیده‌ای می‌داند که از زندگی مدرن حذف نمی‌شود اما به گونه دیگری نمود دارد و بر تفکر و هویت اجتماعی افراد تأثیر دارد. افزون بر متغیرهای یاد شده متغیرهای جنسیت و وضعیت تأهل، نیز به عنوان متغیرهای زمینه‌ای، در پیوند با متغیر میزان امید به آینده مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بر پایه چارچوب نظری، فرضیه‌های زیر در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱. به نظر می‌رسد بین میزان دینداری و میزان امید به آینده در بین افراد بالای ۱۸ سال شهر یاسوج رابطه معناداری وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده و میزان امید به آینده در بین افراد بالای ۱۸ سال شهر یاسوج رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین میزان امکانات اقتصادی خانواده و میزان امید به آینده در بین افراد بالای ۱۸ سال شهر یاسوج رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین میزان امید زنان و مردان بالای ۱۸ سال ساکن شهر یاسوج به آینده تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۴- بین میزان امید به آینده ساکنان بالای ۱۸ سال شهر یاسوج با توجه به وضعیت تأهل تفاوت معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش از نظر رویکرد، کمی؛ از لحاظ زمانی، مقطعی و از نظر هدف، کاربردی است. از روش پیمایشی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش افراد بالای ۱۸ سال ساکن شهر یاسوج بوده است. واحد آماری نیز یک نفر از افراد ۱۸ سال بالای شهر یاسوج بوده است. جهت تعیین حجم نمونه از جدول لین (۱۹۷۶) استفاده شده است. با در نظر گرفتن حجم نمونه جامعه آماری (براساس سالنامه آماری سال ۹۵ جمعیت ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج هشتاد و دو هزار و چهارصد و هشتاد نفر بوده است) سطح معنی‌داری ۹۵ درصد، میزان خطا ۵ درصد و میزان همگنی ۵۰-۵۰، حجم نمونه ۳۸۱ مورد محاسبه گردید که برای افزایش اعتبار نتایج تحقیق، به ۴۰۰ مورد ارتقاء یافت. در این پژوهش، از

پرسشنامه تهیه شده ترکیبی از گویه‌های محقق ساخته و دیگران ساخته به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد. امید به آینده به عنوان متغیر وابسته، و دینداری، میزان امکانات اقتصادی خانواده و پایگاه اقتصادی-اجتماعی، در کنار متغیرهای زمینه‌ای جنس و وضع تأهل، به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش، منظور از امید به آینده، آن نوع نگاهی هست که افراد نسبت به آینده دارند. اینکه آیا افراد نسبت به آینده امیدوار هستند و یا نه؟ به منظور بررسی امید به آینده در این پژوهش از پرسشنامه هنجاریابی شده توسط کیمیایی و گرجیان مهلبانی (۱۳۹۰) استفاده شد. این پرسشنامه در قالب گویه‌های با طیف لیکرت و مقیاس رتبه‌ای بود و با گزینه‌های کاملاً موافقم: نمره ۱، نسبتاً موافقم: نمره ۲، بی نظر: نمره ۳، نسبتاً مخالفم: نمره ۴، کاملاً مخالفم: نمره ۵ به سنجش میزان امید پاسخگویان به آینده پرداخته است. برای سنجش متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی از پنج سوال باز استفاده شده است و سپس با ترکیب پاسخها نمره پایگاه اقتصادی- اجتماعی بدست آمد؛ به این صورت که از پاسخگویان خواسته شد شغل پدر، شغل مادر، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، میزان درآمد پدر و مادر، میزان درآمد ماهیانه خودشان را، مشخص نمایند. برای سنجش متغیر دینداری، از پرسش نامه‌ی گلاک و استارک^۱ (۱۹۶۵) با ضریب آلفای ۰/۸۴، که توسط میرفردی و ولی نژاد (۱۳۹۵) هنجاریابی و استفاده شده بود؛ با اندکی دخل و تصرف استفاده شده است. این پرسش نامه، از چهار بعد اعتقادی (۵ سؤال)، احساسی (۵ سؤال)، پیامدی (۴ سؤال)، و مناسکی (۵ سؤال) تشکیل شده است که گویه‌های آن، در سطح ترتیبی و در قالب ۱۹ گویه‌ی ۵ جوابی سنجیده شده است.

دینداری: به اعتقاد گلاک و استارک، با وجود این که تفاوت‌هایی در ادیان دیده می‌شود، ولی عرصه‌های مشترکی نیز دارند که دینداری، در آن‌جا متجلی می‌شود. این عرصه‌ها عبارتند از:

بعد اعتقادی: به معنای باورهایی که از پیروان هر دینی، انتظار می‌رود به آن‌ها اعتقاد داشته باشند.

بعد احساسی: که ناظر بر عواطف و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی است.

بعد مناسکی: شامل اعمال دینی مانند عبادت است که از پیروان ادیان انتظار می‌رود آن‌ها را انجام دهند.

بعد پیامدی: ناظر بر آثار باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره‌ی پیروان است.

بعد شناختی: دربردارنده‌ی اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است (سراج زاده، ۱۳۷۸). در این پژوهش، چهار بعد اولی به کار گرفته شده است.

امکانات اقتصادی خانواده: در زمینه امکانات اقتصادی خانواده، از پرسشنامه‌ای خود ساخته ۶ سوالی استفاده شده است که از پاسخ گویان خواسته شد تا امکانات اقتصادی خانواده خود را از قبیل؛ منزل ملکی، خودرو شخصی، تلوزیون LED و یا LCD، حساب بانکی نسبتا بالا، باغ یا زمین، لب تاب و یا کامپیوتر رو میزی، از بین دو گزینه بلی (کد ۱) خیر (کد ۲) مشخص نمایند.

جهت تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری این پژوهش، از اعتبار صوری (بهره‌گیری از نظرات اصلاحی و تکمیلی پژوهشگران اجتماعی) استفاده شده است. در این پژوهش نیز برای شناخت میزان انسجام درونی (پایایی) گویه‌های متغیر مستقل و وابسته از آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱- مقدار آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق به تفکیک ابعاد

متغیرها	تعداد گویه	ضریب آلفای کلی	ابعاد	ضریب آلفای ابعاد
امید	۱۱	۰/۸۱۱	-	۰/۸۲۴
دینداری	۱۹	۰/۸۴۴	اعتقادی	۰/۸۰۱
			احساسی	۰/۷۴۴
			پیامدی	۰/۶۱۴
			مناسکی	۰/۷۱۲

یافته‌های پژوهش

داده‌های توصیفی پاسخگویان

بیشتر پاسخگویان را زنان تشکیل داده بودند و متاهل‌ها بیشتر از مجردها بودند. رده سنی ۱۸ تا ۲۴ سال بیشترین رده سنی و رده سنی ۴۶ تا ۵۲ کمترین فراوانی را در بین پاسخگویان داشتند. از بین سنین مختلف، نیز بیشترین فراوانی افراد شرکت کننده در این پژوهش، برای سن ۲۳ سالگی است. بیشتر پاسخ‌گویان دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسطی بوده‌اند.

جدول شماره ۲- مشخصات توصیفی پاسخگویان

نام متغیرها	ابعاد	فراوانی	درصد
جنس	زن	۱۸۱	۴۴/۸
	مرد	۲۱۹	۵۵/۲
وضعیت تأهل	متاهل	۲۶۵	۶۶/۳
	مجرد	۱۳۵	۳۳/۷
رده سنی	۱۸-۲۴	۱۱۳	۲۸/۲
	۲۵-۳۱	۱۰۱	۲۵/۳
	۳۲-۳۸	۷۴	۱۸/۵
	۳۹-۴۵	۷۱	۱۷/۷
	۴۶-۵۲	۴۱	۱۰/۳
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	پایین	۶۷	۱۷/۵
	متوسط	۲۶۲	۶۳/۳
	بالا	۷۱	۱۹/۰

بیشتر پاسخگویان در حد متوسط نسبت به آینده امیدوار بودند و کمترین میزان از آنها امیدواری پایینی نسبت به آینده داشته‌اند. هر چه سطح نمره پاسخگویان پایین‌تر بوده نشانگر این بوده که نگرش بدبینانه‌تری نسبت به آینده داشته و هر چه سطح نمره بالاتر بوده، نگرش خوشبینانه‌تری نسبت به آینده داشته‌اند.

جدول شماره ۳- توزیع افراد بر حسب وضعیت امید به آینده

سطح	شاخص	مقادیر
پایین	فراوانی	۶۰
	درصد	۸/۶
متوسط	فراوانی	۳۰۱
	درصد	۷۵/۳
بالا	فراوانی	۶۵
	درصد	۱۶/۱

نتایج آزمون تی نمونه های مستقل نشان داد که زنان و مردان در امید به آینده با یکدیگر تفاوت معناداری دارند. به عبارت دیگر، میانگین خوشبینی به آینده در بین مردان بیش از زنان است. و بر اساس نتایج بدست آمده، بین افراد متأهل و مجرد در متغیر امید به آینده، تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، میانگین افراد متأهل در ابعاد سه گانه متغیر وابسته، نزدیک به یکدیگر است.

جدول شماره ۴- نتایج آزمون تفاوت معناداری میزان امید به آینده با توجه به

جنسیت و وضعیت تأهل

متغیر مستقل	جنس	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	T	معناداری
جنسیت	مرد	۲۱۹	۱۷/۱۵	۲/۷۳	۵/۲۳	۰/۰۰۰
	زن	۱۸۱	۱۵/۱۶	۴/۴۸		
وضع تأهل	مجرد	۱۳۵	۱۶/۵۳	۳/۵۹	۱/۰۹	۰/۲۷۷
	متأهل	۲۶۵	۱۶/۱۰	۳/۸۴		

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره ۵، بین میزان امید به آینده و میزان دینداری، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنی که با افزایش در میزان دینداری افراد، نگرش خوشبینانه نسبت به آینده نیز در بین آنها افزایش می یابد. بر اساس نتایج بدست آمده، متغیر امید به آینده با پایگاه اقتصادی اجتماعی ارتباط مثبت و معناداری دارد؛ به گونه ای که با افزایش پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد، نگرش خوشبینانه افراد به آینده نیز افزایش می یابد. همچنین بین میزان امکانات اقتصادی خانواده و امید به آینده رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. با افزایش میزان امکانات اقتصادی خانواده، امید به آینده نیز افزایش می یابد.

جدول شماره ۵- نتایج آزمون رابطه میزان دینداری، میزان امکانات اقتصادی خانواده و پایگاه اقتصادی و اجتماعی با متغیر میزان امید به آینده

معناداری	پیرسون	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۰/۴۶۵	میزان دینداری
۰/۰۰۱	۰/۱۶۹	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۱۸۷	میزان امکانات اقتصادی خانواده

برای تبیین متغیر امید به آینده، از آزمون رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. بر اساس نتایج رگرسیون چند متغیره، متغیرهای وارد شده در مدل، در چهار مرحله، به تبیین امید به آینده پرداختند (جدول شماره ۶). نتایج به دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ($R^{2.adj} = 0/214$)، متغیر دینداری بیشترین سهم را در پیش‌بینی امید به آینده دارد؛ این متغیر به صورت مستقیم و مثبت و با ضریب بتای $0/101$ به تنهایی توانست $21/4$ درصد تغییرات امید به آینده را تبیین کند. با افزودن امکانات اقتصادی خانواده، $0/035$ به قدرت تبیین افزوده شد و با افزودن متغیرهای جنسیت مرد و پایگاه اقتصادی و اجتماعی به ترتیب $0/03$ و $0/01$ به ضریب تبیین متغیر وابسته افزوده شد. در مجموع، چهار متغیر، $28/9$ درصد از واریانس میزان امید به آینده را تبیین نمودند.

جدول شماره ۶- نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره امید به آینده با روش گام به گام

Sig	T	Beta	B	افزایش ضریب	$R^{2.adj}$	R	متغیرهای پیش‌بینی کننده
۰/۰۰۰	۱۰/۹۵	۰/۱۰۱	۱/۱۰۳	-	۰/۲۱۴	۰/۴۶۵	دینداری
۰/۰۰۰	۴/۲۵	۰/۵۷۸	۲/۴۵۷	۰/۰۳۵	۰/۲۴۹	۰/۵۰۳	امکانات اقتصادی خانواده
۰/۰۰۰	۳/۷۰	۰/۸۴۸	۳/۱۳۷	۰/۰۳	۰/۲۷۹	۰/۵۲۳	جنس (مرد)
۰/۰۰۱	۲/۵۶	۰/۵۸۸	۱/۵۰۵	۰/۰۱	۰/۲۸۹	۰/۵۴۴	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
مقدار آماره $F = 37/361$				سطح معناداری (Sig) = $0/000$			

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله در پی آن بود تا میزان امید به آینده و ارتباط آن با متغیرهای دینداری و پایگاه اقتصادی و اجتماعی را مورد بررسی قرار دهد. نتایج پژوهش نشان داد که بیشتر پاسخگویان از میزان متوسطی از امید به آینده برخوردار بودند. بررسی ارتباط دینداری و امید به آینده نشان داد که بین متغیر وابسته با میزان دینداری، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنی که افراد متدین، از امید به آینده بالاتری نسبت به افراد با دینداری پایین برخوردارند. نتایج بدست آمده در این مقاله درباره رابطه دینداری و امید به آینده، با نتایج مطالعات مهدی‌زاده و قاری قرآنی (۱۳۹۳) در تهران، محمدی و خیرجو (۱۳۹۴)، خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۴) در شیراز، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در آذرشهر و عالیشاه (۱۳۹۷) در ساری همخوانی دارد. همه این مطالعات نشان می‌دهند که دینداری ارتباط مستقیم و معناداری با میزان امید به آینده دارد و افراد با دینداری بالاتر از میزان امید بیشتری نسبت به آینده برخوردارند. این همبستگی می‌تواند ناشی از آموزه‌های دینی باشد که مؤمنان را نسبت به تحولات آینده زندگی خوشبین و امیدوار می‌سازند و استعانت از خداوند را منشأ دلگرمی و امید به آینده برمی‌شمارند. بر پایه نظریه‌های جامعه‌شناختی به ویژه دیدگاه دورکیم و وبر، دین و مذهب به عنوان یک متغیر اجتماعی، از جزئی‌ترین لایه خود و در سطح شخصی تا کلان‌ترین لایه اجتماعی و در سطح جامعه و حتی نظام بین‌الملل تأثیرگذاری قابل توجهی دارد. سازوکار این ارتباط را اینگونه می‌توان تبیین کرد: دین به افراد و پیروان خود وعده آینده‌ای خوشبینانه می‌دهد و در دین اسلام، مفهومی به نام توکل و توسل جستن به یاری خداوند؛ نقش مهمی در نگاه امیدوارانه افراد دیندار به آینده حتی در سخت‌ترین شرایط دارد. افزون بر این، دین حتی به مؤمنان نوید سعادت در جهانی دیگر را می‌دهد.

بر اساس نتایج بدست آمده، مشخص شد که متغیر امید به آینده با متغیرهای امکانات اقتصادی خانواده و پایگاه اقتصادی اجتماعی ارتباط مثبت و معناداری داشت؛ بدین صورت که افراد دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر و با امکانات بالای اقتصادی از امید بیشتری نسبت به آینده برخوردار بودند. نتایج این مقاله درباره پیوند و همبستگی متغیرهای امکانات اقتصادی خانواده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با متغیر امید به آینده، با نتیجه مطالعه مرادی و صفاریان

(۱۳۹۷) مبنی بر رابطه معنادار بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده فرزندان همخوانی دارد. سرمایه اجتماعی مفهومی همجوار و در پیوند با پایگاه اجتماعی است. طبقات بالاتر از امکانات و فرصت‌های بالقوه و بالفعل بیشتری برای فعالیت، داشتن یک زندگی راحت و بدون دغدغه و ارتقاء وضعیت خود در آینده برخوردارند. چنین وضعیتی، آرامش روانی و اعتماد به نفس برای داشتن زندگی بهتر را برای افراد طبقه بالا ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، طبقات پایین‌تر شامل طبقه پایین و لایه‌های پایینی طبقه متوسط، به سبب محدودیت منابع، امکانات و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی هم درگیر سختی‌های گذران شرایط کنونی و هم نگران شرایط آینده خود، نزدیکان و به ویژه فرزندان‌شان هستند.

بر اساس یافته‌های مطالعه، بین افراد متأهل و مجرد در زمینه میزان امید به آینده، تفاوت معناداری وجود نداشت. به عبارت دیگر، میانگین میزان امید به آینده افراد متأهل و مجرد تفاوت زیادی با یکدیگر ندارند. نتایج آزمون تی مستقل نشان که زنان و مردان در امید به آینده با یکدیگر تفاوت معناداری دارند. میانگین امید مردان نسبت به آینده بیش از زنان بوده است. تفاوت میزان امید مردان و زنان به آینده در جامعه مورد مطالعه می‌تواند ناشی از تفاوت تجربه اجتماعی زنان و مردان باشد.

با توجه به اینکه متغیرهای دینداری، جنسیت (مرد)، امکانات اقتصادی خانواده و پایگاه اقتصادی-اجتماعی نزدیک به ۲۹ درصد از واریانس متغیر امید به آینده را تبیین نموده‌اند، بخش زیادی از تغییرات متغیر امید به زندگی توسط متغیرهای دیگری تبیین می‌شود که به نظر می‌رسد در زمره متغیرهای ساختاری و اجتماعی باشند. نتیجه نهایی این پژوهش نشان می‌دهد که دینداری یکی از مهمترین عوامل در حفظ و ارتقاء امیدواری در جامعه مورد مطالعه است. با توجه به نتایج تحقیق، ترویج و نهادینه‌سازی باورهای دینی و دینداری، بدور از تفسیرهای ناروا، می‌تواند به تقویت امید شهروندان نسبت به آینده کمک نماید. پیشنهاد می‌شود، امید شهروندان نسبت به آینده در اقشار و گروه‌های مختلف جامعه و در پیوند با متغیرهای دیگری، که ممکن است نقش مهمی در وضعیت آن داشته باشند، توسط پژوهشگران اجتماعی مورد مطالعه علمی قرار گیرد.

منابع

- ۱- ارجمندنیا، علی؛ خانجانی، مهدی؛ محمودی، مریم (۱۳۹۱). *امید و امیدواری: نظریه‌ها، مفاهیم و روشهای ارتقاء در جوانان و دانشجویان*. تهران: دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۲- آرون، ریمون (۱۳۷۵). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه دکتر باقر پرهام، چاپ سهند.
- ۳- باستانی، سوسن (۱۳۸۷). *جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۴- بوردیو، پیر (۱۳۹۰). *تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذهنی*، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- ۵- بوردیو، پیر (۱۳۸۶). *ذوق هنری و سرمایه فرهنگی*، ترجمه لیلی مصطفوی، نامه فرهنگ، شماره ۳۰، ص: ۲۰-۴۵.
- ۶- بهنر، جرد؛ وانک، مایکل (۱۳۸۴). *نگرش‌ها و تغییر آن‌ها*، ترجمه دکتر علی مهداد، تهران، انتشارات جنگل.
- ۷- تافلر، آلوین (۱۳۹۷). *موج سوم*. ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران: نشر نو. چاپ بیست و پنجم.
- ۸- تاملین، ملوین (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی*، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- ۹- ترک‌زاده، جعفر؛ کشاورزی، فهیمه (۱۳۹۴). "تبیین رابطه آینده‌نگری و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز"، *پژوهش آموزش پزشکی*، ۷ (۴): ۳-۱۲.
- ۱۰- خواجه‌نوری، بیژن؛ مومنی، مریم؛ هوشیار، آزاده (۱۳۹۴). «بررسی رابطه دینداری و امیدواری اجتماعی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر شیراز»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶ (۳): ۲۰۸-۱۹۵.

- ۱۱- داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۵). «آینده نگری-آینده نگاری و برنامه ریزی»، سرمقاله شماره شصتم نشریه فرهنگستان علوم، اسفند ۱۳۹۵، ص ۱۱.
- ۱۲- دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- ۱۳- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲)، لغتنامه، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۴- سراج زاده، سید حسن (۱۳۷۸)، «دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی»، مسایل اجتماعی ایران (ویژه نامه علوم اجتماعی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم) ۱۶ (۶): ۱۰۵-۷۱.
- ۱۵- عالیشاه، مهدی (۱۳۹۷)، «رابطه بین دینداری با سلامت روان و امید به زندگی در دانش آموزان»، سومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، محمودآباد، موسسه علمی پژوهشی ISR- دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور - آموزش و پرورش محمودآباد.
- ۱۶- عباس زاده، محمد؛ علیزاده اقدم، محمد باقر؛ دولتی، علی؛ موسوی، آرزو (۱۳۹۵)، «مطالعه نقش دینداری در توسعه امید به آینده در بین شهروندان آذر شهر»، دین و سلامت، ۴(۱): ۴۷-۵۶.
- ۱۷- علیزاده اقدم، محمد باقر (۱۳۹۱)، " بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل موثر بر آن"، جامعه شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، ۲۳ (۴) (پیاپی ۴۸): ۲۰۶-۱۸۹.
- ۱۸- قاسمی، افشان؛ عابدی، احمد؛ باغبان، ایران (۱۳۸۸). "اثر بخشی آموزش گروهی مبتنی بر نظریه امید شنایدر بر میزان شاد کامی سالمندان" دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، شماره ۴۱: ۱۷-۴۰.
- ۱۹- کوزر، لیوئیس (۱۳۸۰). زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- ۲۰- کیمیایی، سید علی؛ گرجیان مهلبانی، حسن (۱۳۹۰) "اعتباریابی پرسشنامه مثلث شناختی در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد"، فصلنامه اصول بهداشت روانی، دوره ۱۳، شماره ۳ (پیاپی ۵۱)، ص ۲۴۱-۲۳۰.

- ۲۱- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*. ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۲۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ۲۳- محسنی تبریزی، علی رضا؛ میرزایی، محمد (۱۳۸۳). "سنجش میزان انگیزش به کار و عوامل موثر بر آن (مورد جوانان و زنان روستایی روستاهای استان آذربایجان شرقی)"، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۵ (۴): ۳۱-۳.
- ۲۴- محمدی، مه‌ری؛ خیرجو، اسماعیل (۱۳۹۴)، "نقش دین و باورهای مذهبی در امید به آینده" دومین کنگره علمی و پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- ۲۵- مرادی، علی؛ صفاریان، محسن (۱۳۹۷)، "مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده با بی تفاوتی جوانان در شهر کرمانشاه"، *مدیریت سرمایه انسانی*، ۵ (۳): ۳۸۵-۴۱۰.
- ۲۶- مهدیزاده، شراره؛ قاری قرآنی، سیما (۱۳۹۳)، "عوامل اجتماعی موثر بر امید به آینده دانشجویان دانشگاه تهران"، *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، پیاپی (۴۲): ۲۵۶-۲۳۷.
- ۲۷- میرفردی، اصغر، ولی‌نژاد، عبدالله (۱۳۹۵). "بررسی تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد دینداری دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه یاسوج)"، *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۴ (۷): ۹۰-۷۳.
- ۲۸- واکوانت، لویک جی، دی (۱۳۷۹). پی‌یر بوردیو، ترجمه‌ی مهرداد میردامادی، در استونز، رابز، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- ۲۹- وبر، ماکس (۱۳۹۲). *اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پنجم.

- 30- Alois, P. (2014). "Income Inequality and Happiness: Is There a Relationship?". LIS Working papers 614, LIS Cross-National Data Center in Luxembourg.
- 31- Bourdieu, P. (1986) In Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. Edited by Rich Arrdms. 241-258. New york: Greenwood Pub.
- 32- Chan, T. W. & Goldtorpe, J. H. (2007). Social Stratification and Cultural Consumption: Music in England, *European Sociological Review*, Vol. 23, pp. 1-28.
- 33- Cooley, J. (1976), "Life Satisfaction and Attitudes toward the Future: A Comparison by Age, Sex, and Area of Residence" (1976). Master's Thesis from the University of Nebraska-Lincoln. 11.
- 34- Fromm, E. (1968). *Revolution of Hope: Toward a Humanized Technology*. New York: Harper & Row.
- 35- Glock, C. Y., & Stark, R. (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally.
- 36- Halicioglu, F. (2011), "Modeling Life Expectancy in Turkey", *Economic Modelling*, 28(5): 2075-2082.
- 37- Hill, T. D.; Hill, Jorgenson, A. (2018). "Bring out your dead: A study of income inequality and life expectancy in the United States" *Health & Place*, 49, January 2018, Pp. 1-6.
- 38- Lin, N. (1976), *Foundation of Social Research*. New York: MC-Graw Hill.
- 39- Przepiorka, A., & Sobol-Kwapinaska, M. (2018). "Religiosity moderates the relationship between time perspective and life satisfaction", *Personality and Individual Differences*, 134 (1): 261-267.
- 40- Rhisiart, M., Jones-Evanc, D. (2016). " The impact of foresight on entrepreneurship: The Wales", *Technological Forecasting and Social Change*, 102, January 2016, Pp: 112-119.
- 41- Snyder C. R., Ritschel L. A., Ravid. L.K. and Berg C. J. (2006). "Balancing Psychological Assessments: Including Strengths and Hope in Client Reports", *Journal of Clinical Psychology* 62(1), 33-46.
- 42- Snyder, C. R. (1996). "Conceptualizing, measuring, and nurturing hope". *Journal of counseling and Development*, 73(3), 355-360.
- 43- Snyder, C. R. (2000) "The past and possible futures of hope", *Journal of Social and Clinical Psychology*, 19, 11-28. <http://dx.doi.org/10.1521/jscp.2000.19.1.11>.
- 44- Snyder, C. R.; Lopez, S. J. (2001). *Handbook of Positive Psychology US*: Oxford University Press.